

تورم و زیست اقتضایی در جامعه ایران: یک مطالعه داده‌بنیاد

شناسه دیجیتال: <https://sociology.tabrizu.ac.ir> DOI:10.22034/JEDS.2022.49581.1608

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳

مریم بهارلویی^۱
حسین افراسیابی*^۲

چکیده

تورم و گرانی به عنوانی پدیده‌ای فراگیر در چند دهه اخیر، تغییرات قابل توجهی در جنبه‌های مختلف زندگی ایرانیان ایجاد کرده است. مردم نیز سازوکارهای گوناگونی برای سازگاری با فشارهای ناشی از این پدیده به کار می‌گیرند. این پژوهش با هدف دستیابی به تفسیر و نحوه سازگاری مردم با پدیده تورم در جامعه ایران اجرا شد. سوال اصلی این است که مردم چه تفسیری از تورم دارند و چگونه با آن کنار می‌آیند. به منظور اجرای پژوهش و دستیابی به تفسیر مشارکت‌کنندگان و ساماندهی نظری آن، از نظریه داده‌بنیاد (گراندتئوری) به عنوان یکی از روش‌های کیفی-تفسیری استفاده شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۶۰ نفر از شهروندان اصفهان در سنین، جنسیت‌ها و طبقات اجتماعی مختلف است که با روش هدفمند و با نظر گرفتن تنوع انتخاب و با آنها مصاحبه شد. داده‌ها به منظور ساخت مفاهیم و دستیابی به یک مدل نظری، کدگذاری و ارائه شده است. مدل نظری برگرفته از داده‌ها، در قالب ۶ مقوله اصلی شامل مناسبات جهانی، فشار و تغییر، ضعف حکمرانی، انفعال جمعی، تنگنای ذهنی/زیستی و تحولات هنجاری/تعاملی و یک مقوله هسته^۳ یعنی زیست اقتضایی ارائه شد. زیست اقتضایی به عنوان مقوله هسته برآمده از مصاحبه‌ها، سازوکار اجتماعی و فرهنگی سازگاری ایرانیان با تورم و فشار و تغییر ناشی از آن را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: تورم؛ گرانی؛ زیست اقتضایی؛ جامعه ایرانی؛ تغییر؛ فشار

baharlouemaryam@yahoo.com

hafraziabi@yazd.ac.ir

3- Core category

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

مقدمه

تورم به طور سنتی یک مساله اقتصادی در نظر گرفته می‌شود که توسط اقتصاددانان مورد مطالعه قرار گرفته‌است. اما تورم چیزی بیش از یک مساله اقتصادی است که در ساختارهای اجتماعی و سیاسی لانه کرده است. منتقدین و طرفداران جامعه سرمایه‌داری مدرن، تورم را یکی از موضوعات حل نشده و جهانی می‌دانند که در بسیاری از جوامع مشکل ساز شده است (گلدتورب^۱، ۱۹۷۸: ۲). در تازه‌ترین گزارش‌های موجود (مرکز آمار ایران، شهریور ۱۴۰۰) نرخ تورم در سال اخیر به بیش از ۴۴ درصد رسیده است. در ماه‌های جاری قیمت مواد خوراکی و کالاهای اساسی در یکسال اخیر بیش از دوبرابر افزایش یافته است. خیزهای تورم در چند دهه اخیر، بسیاری از خانواده‌های ایرانی را فقیرتر کرده، فشار قابل توجهی بر مردم متوسط و فقیر وارد می‌کند و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را بیشتر کرده است.

تورم پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). نرخ تورم از مهمترین شاخص‌های عملکرد اقتصاد کلان است که برای دولتمردان، سیاست‌گذاران و کارشناسان اقتصادی و عموم مردم اهمیت بسزایی دارد. در دهه‌های اخیر نرخ تورم فراز و فرودهای بسیاری داشته است (زمان‌زاده، ۱۳۹۴). در کشور ما نیز یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی طی چند دهه اخیر، پدیده تورم بوده و حل مشکلات ناشی از آن همواره یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسعه‌ای کشور بوده است (پورکاظمی، ۱۳۹۴: ۲). تورم در بیشتر کشورهای جهان کم و بیش وجود دارد، اما نرخ آن در جوامع گوناگون و در زمان‌های مختلف متفاوت است. بالا بودن تورم همواره یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران در چند دهه اخیر بوده و به پدیده‌ای مزمن تبدیل شده است (مهربانی، ۱۳۸۹: ۳).

تحقیقات زیادی بویژه با رویکرد اقتصادی در مورد تورم انجام شده است. با مروری بر مطالعات حوزه تورم می‌توان دریافت این تحقیقات (محمدی‌خیاره، ۱۳۹۹؛ محمودی، ۱۳۹۸؛ مهینی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ پورکاظمی و همکاران، ۱۳۹۴؛ آدام و وبر^۲، ۲۰۲۰؛ لیز و همکاران^۳، همکاران^۳، ۲۰۱۹؛ کوکران و همکاران^۴، ۲۰۱۹؛ کویبیون و همکاران^۵، ۲۰۱۹؛ گونزالس و روجاسهوسه^۶، ۲۰۱۹؛ آندرد و همکاران^۷، ۲۰۱۹). عمدتاً بر جنبه‌های اقتصادی تورم تمرکز دارند و جنبه‌های اجتماعی آن کمتر مورد توجه بوده است. خصوصاً در رابطه با کنش‌ها و فرایندهای اجتماعی که کنشگران در مواجهه با تورم با آن روبه رو می‌شوند، پژوهش اندکی انجام شده است.

1. Goldthrope
2. Adam & Weber
3. Lis et al.
4. Cochran et al.
5. Coibion et al.
6. Gonzales & Rojas-Hosse
7. Andrade et al.

در شرایط فعلی، با توجه به جایگاهی که تورم در زندگی مردم ایران پیدا کرده، بسیاری از تصمیم‌ها، برنامه‌ها و کنش‌های مردم و نهادهای اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. تورم در سطح خرد، عواطف و سلامت روان افراد، تامین نیازهای اساسی، کیفیت عملکرد شغلی و معیشت فرد و خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین پیامدهای نهادی مهمی برای جامعه برجای می‌گذارد؛ تورم از طریق افزایش هزینه زندگی و مخاطرات معیشتی می‌تواند موجب کاهش تمایل به ازدواج و فرزندآوری و تغییر در ارزش‌های خانوادگی شود. تورم ارزش‌های خودخواهانه و فرصت طلبی را در جامعه تقویت می‌کند و از این طریق موجب تضعیف نظم و فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود. این شرایط می‌تواند باورها و هنجارهای قوام‌بخش اجتماعی را تهدید کند. کنشگران اجتماعی فعال و برخوردار از عاملیت ضمن اینکه تحت تأثیر تورم به عنوان یک مسأله عمدتاً ساختاری قرار می‌گیرند، دست خالی نیستند و در مورد آن تفسیر خود را دارند؛ براساس تفسیر خود دست به کنش می‌زنند و تلاش می‌کنند زندگی خود را در شرایط فشار ناشی از گرانی مدیریت کنند، به پیش ببرند و با شرایط سازگار شوند. نحوه تفسیر کنشگران از این شرایط و نحوه عملکرد آنها در مواجهه با تغییرات و فشارهای ناشی از تورم، می‌تواند فرایندهای مهمی را در نظام اجتماعی فعال کند. این کنش و عاملیت برای افراد و جامعه پیامدهای مهمی به دنبال دارد و فرایندهایی را ایجاد و بازتولید می‌کند که نیازمند شناخت و مطالعه جامعه‌شناختی است. نگاه به تورم با رویکردی صرفاً اقتصادی هرچند ضروری اما ناقص است، زیرا به دلیل ایجاد شرایط فشار و تغییر در جامعه، تحولات اجتماعی مهمی به همراه دارد و از این طریق فرایندهای اجتماعی قابل ملاحظه‌ای در سطح اجتماعی فعال می‌کند.

پژوهش حاضر بر این پرسش‌ها تمرکز دارد که مردم چه تفسیری از شرایط تورمی در جامعه ایران دارند؟ سازوکارهایی که کنشگران اجتماعی در زندگی روزمره شان برای سازگاری با شرایط تورمی خلق می‌کنند، کدامند؟ شرایط تورمی چه پیامدهای برای زندگی این افراد دارد؟

مطالعات پیشین

تورم یک پدیده اقتصادی است که تاکنون چندان مورد توجه مطالعات اجتماعی قرار نداشته است. از این رو تعدادی محدود و نزدیک به موضوع را در اینجا مرور کردیم تا فهمی کلی از مطالعات انجام شده در این حوزه به دست آوریم.

پژوهش افراسیابی و بهارلویی (۱۳۹۹) در مورد بازتاب تورم اقتصادی در زندگی روزمره بازنشستگان نشان می‌دهد که زندگی سالمندان و بازنشستگان در ابعاد مختلف ذهنی، عاطفی، هنجاری و تعاملی، تحت تأثیر تورم قرار گرفته است و آن را در قالب تنگنا تجربه می‌کنند. نتایج تحقیق افراسیابی و بهارلویی (۱۳۹۸) با عنوان پیامدهای تورم در زندگی روزمره جوانان طبقه پایین نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی احساس ابهام و بی‌هنجاری در زندگی روزمره این جوانان

است. این وضعیت به تدریج بخشی عادی و ماندگار در زندگی مشارکت‌کنندگان تلقی می‌شد که پیامدهای مهمی در ابعاد خرد و کلان دارد. یچیوی دیزج و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان «رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته» انجام داده‌اند. برآورد مدل‌های مختلف نشان داد که مشکلات اقتصادی مانند بیکاری، تورم، فقر و نابرابری درآمدی احتمال وقوع جرم توسط افراد جامعه را به طور معنی داری افزایش می‌دهد. همچنین تورم از طرق مختلفی مانند کاهش قدرت خرید مردم، ایجاد اختلاف و تضاد طبقاتی موجب روی آوردن افراد به سمت ارتکاب جرم می‌شود. آشینه و نوابخش (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی موثر بر طلاق و ازدواج با تاکید بر تورم» انجام داده‌اند و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد در شرایطی که اقتصاد کشور دچار تورم‌های شدید و مزمن باشد، تعداد ازدواج‌ها کاهش یافته و به میزان طلاق می‌افزاید. تحلیل‌های آماری نشان دهنده‌ی ۸۵/۸ درصد همبستگی بین متغیر نرخ تورم با متغیر تعداد طلاق است. لطفی و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر جرم در کشور، رهیافت تکنیک داده‌های ترکیبی (مطالعه موردی سرقت و قتل)» انجام داده‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگوهای سرقت و قتل، بیانگر آن است که میان نرخ بیکاری، فقر، تورم، نابرابری درآمدی با سرقت و قتل رابطه مثبت و معنادار برقرار است. دین محمدی و قربانی (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان «تحلیل آثار اجتماعی تورم (با تأکید بر سرمایه اجتماعی)» انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد تورم پایدار سطح بالا علاوه بر تنزل سرمایه اجتماعی بر افزایش میل نهایی به مصرف، بی‌ارزش شدن کار، ارزشمند شدن سرمایه، افزایش فعالیت‌های سوداگرانه و دلالی، ناطمینانی و آینده‌هراسی، افزایش نابرابری‌ها و ضریب جینی ناشکیبایی در مصرف تأثیر می‌گذارد. مهربانی (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان «تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران» انجام داده است. نتایج حکایت از این دارند که تورم طبقات بالایی و ممتاز جامعه را که از بیش‌ترین ثروت و مکنات اقتصادی و اجتماعی برخوردار هستند، به بهای طبقات پایین‌تر به سود می‌رساند و لذا عاملی مهم در افزایش شکاف طبقاتی است.

آلبولسکو و اوروس^۱ (۲۰۲۰) در بررسی تورم، ناطمینانی و بازار کار در آمریکا نشان دادند که شرایط بازار کار و ناطمینانی تورمی، می‌تواند روند تورم بلند مدت را در آمریکا پیش‌بینی کند. با این وجود، شرایط بازار کار در شرایط پسابحران اثر بیشتری بر تورم در مقایسه با پیشابحران دارد. ادکینز و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در مطالعه خود با عنوان «طبقه در قرن بیستم: تورم دارایی و منطق جدید نابرابری در شهر سیدنی استرالیا» معتقدند سنخ‌شناسی تازه‌ای با توجه به تورم دارایی‌های ثابت، مثل خانه، در شهرها باید تنظیم کرد. از نظر آنها چند نسل تورم دارایی موجب شکل‌گیری

1. Albulescu & Oros

2. Adkins et al.

منطق جدیدی از نابرابری شده است. آنها نتیجه می‌گیرند، تورم دارایی‌های ثابت، مثل مسکن، بازنگری در نظریه‌ها در مورد قشربندی و نابرابری طبقاتی را ضروری کرده است. آنها پیشنهاد می‌کنند طرح طبقه‌بندی جامعه بر اساس شغل، با طبقه‌بندی اجتماعی بر اساس دارایی‌های ثابت جایگزین شود. پائول و شارما^۱ (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین تورم و فقر در کشور هندوستان پرداخته و نشان دادند تورم موجب فقیرتر شدن فقرا شده است. تورم از نظر آنها بر شهر و روستا تاثیر گذاشته است. اما این تاثیر در مقایسه دوره‌های مختلف تورم ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ متفاوت بوده است. طبقه فقیر تورم بیشتری را تجربه می‌کند و روستاها تاثیر بیشتری در مقایسه با شهری‌ها می‌پذیرند. همچنین سه دهک پایین جامعه بیشتر تحت تاثیر تورم قرار دارند. ازاهین و نیکلا^۲ (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان «پیامدهای فساد بر تورم در کشورهای در حال توسعه: شواهدی از پانل آزمایش‌های همگرایی و علیت» انجام داده‌اند. نتایج نشان داده‌اند هر چقدر فساد بیشتر باشد، تورم نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های به دست آمده از طریق برآوردگر میانگین گروه نشان داد که رابطه بین تورم و فساد در ۶ کشور از ۲۰ کشور در حال توسعه از نظر آماری مثبت و معنی دار است. بر این اساس، افزایش فساد باعث بالا رفتن سطح تورم می‌شود. شهزاد و همکاران^۳ (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان «اثرات تورم بر استانداردهای زندگی (مطالعه موردی مولتان، پاکستان)» انجام داده‌اند. از تجزیه و تحلیل داده‌ها استنباط شد که تورم بر طبقه متوسط بسیار تاثیر می‌گذارد. مردم مجبور به گرفتن وام و انجام کار اضافی می‌شوند تا هزینه‌های خانواده خود را در تورم انجام دهند. همچنین نتیجه‌گیری شد که سطح زندگی افراد متوسط در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال ۲۰۱۰ به دلیل تورم کاهش یافته است زیرا هزینه‌های آنها بالا رفته است اما درآمد آنها افزایش جزئی داشته است. آلبانی^۴ (۲۰۰۲) در تحقیقی عنوان «تورم و نابرابری» نشان داده است فقرا در برابر تورم آسیب‌پذیرتر می‌شوند، قدرت چانه زنی آنها ضعیف شده و ثروتمندان موفق به اجرای تورم بالا می‌شوند. دیوید کاپلوویتس^۵ (۱۹۸۱) تحقیقی با عنوان «پایان کار: چگونه خانواده‌ها با تورم و رکود اقتصادی کنار می‌آیند» انجام داده است. نتیجه‌ی پژوهش نشان داد خانواده‌هایی که بیشتر تحت تاثیر تورم و رکود اقتصادی قرار دارند، خانواده‌هایی با امتیاز کمتر، خانواده‌هایی با درآمد پایین، بازنشستگان، نیمه ماهر و غیر ماهر و اعضای گروه‌های اقلیت، سیاه پوستان و اسپانیایی زبان هستند. انواع سازوکارهای مقابله‌ای شناسایی شده عبارتند از: استراتژی‌های افزایش درآمد مانند شغل دوم، رفتن اعضای خانواده دیگر به کار و کار با اضافه کاری بیشتر، تا کاهش مصرف، اعتماد به نفس بیشتر، شکار چانه زنی و اشتراک با دیگران. کاهش مصرف تقریباً پاسخ جهانی به تورم بود زیرا خانواده‌ها در تمام اقشار زندگی هزینه‌های غذا، لباس و سرگرمی را کاهش دادند. حدود یک سوم پاسخ دهندگان گزارش دادند که فشارهای

1. Paul & Sharma
2. Azahin & Nikola
3. Shahzad et al.
4. Albani
5. Caplovitz

مالی ناشی از تورم و رکود اقتصادی باعث مشکلاتی در ازدواج آنها شده است و بیش از یک چهارم گفته‌اند که فشارهای مالی به سلامت روانی آنها آسیب زده است. فشارهای تورم و رکود اقتصادی خصومت قابل ملاحظه‌ای را علیه دولت و سیاستمداران ایجاد کرد که علت اصلی آن مشکلات اقتصادی بود. اعتماد به دولت در بین کسانی که به شدت تحت تأثیر تورم و رکود قرار داشتند، وجود نداشت. شیلر^۱ (۱۹۹۷) تحقیقی با عنوان «چرا مردم تورم را دوست ندارند» انجام داده است. او در این پژوهش یکی از مهمترین اما کمترین هزینه‌های تورم را تجزیه و تحلیل می‌کند: ناراحتی ناشی از آن برای مردم عادی. شیلر بررسی گسترده‌ای از نگرش نسبت به تورم در ایالات متحده، آلمان و برزیل انجام می‌دهد. یک واقعیت که او به طور گسترده‌ای مستند می‌کند این است که مردم در هر کشور از تورم متنفر هستند. به عنوان مثال، ۸۴٪ از مردم آمریکا کاملاً با این جمله که «کنترل تورم یکی از مهمترین مأموریت‌های سیاست اقتصادی ایالات متحده است» خیلی موافق یا موافق هستند در آلمان، ۹۴٪ از نظرسنجی‌ها با گفته‌های مشابه موافق هستند. شیلر ادامه داد که چرا مردم تورم را دوست ندارند. وی دریافت که یک تصور مشترک این است که تورم استانداردهای زندگی را از بین می‌برد. مدلی که بیشترین شیوع را در بین مردم نشان می‌دهد این است که تورم ناشی از طمع و بی‌کفایتی مشاغل و مسئولان دولتی است. وی همچنین دریافت که مردم در همه کشورها از اینکه تورم اعتبار ملی را پایین می‌آورد، هراس دارند.

بررسی مطالعات پیشین نشان داد اغلب محققان در تحقیقات خود نگاهی تک‌بعدی و عمدتاً ساختاری به پدیده تورم دارند. بویژه بررسی مطالعات پیشین نشان داد در این موضوع کمتر تلاشی برای نظریه‌پردازی اجتماعی صورت گرفته است. تلاش ما در این مطالعه دستیابی به یک فهم و توضیح نظری با تمرکز بر کنش‌های افراد درگیر با این پدیده و مبتنی بر داده‌های واقعی زندگی روزمره است.

ادبیات نظری

یکی از اهداف مرور نظریه‌ها در تحقیقات کیفی، افزایش حساسیت نظری است تا محقق داده‌یابی عمیق‌تری داشته باشد. علاوه بر این، مرور نظریه‌ها کمک می‌کند نقطه ارتباط و جایگاه یافته‌های خود در بدنه دانش موجود را بیابیم و از این راه، در رفع شکاف‌های نظری فهم پدیده مورد مطالعه مشارکت کنیم. با توجه به مقوله هسته برآمده از دل داده‌ها، نزدیک‌ترین نظریه و مفهوم در ادبیات علمی، نظریه‌های ریسک، عدم اطمینان و رهیافت اقتضایی است. تورم به عنوان یک منبع مهم از فشار و تغییر مداوم، از طریق ایجاد فضای عدم اطمینان در تعاملات و زندگی کنشگران، زندگی اجتماعی را با مخاطره و عدم اطمینان همراه می‌کند.

1. Shiller

از دهه ۱۹۸۰ مفهوم مخاطره و عدم اطمینان مورد توجه نظریه‌پردازان اجتماعی قرار گرفت. نظریه اولریش بک^۱ (۱۹۹۲) در مورد جامعه مخاطره‌آمیز^۲ بیش از دیگر جامعه‌شناسان در این زمینه مورد توجه قرار گرفت. منشاء فرهنگی و ارزشی مخاطرات (داگلاس^۳، ۱۹۹۲)، نقش حکمرانی در مخاطرات (دین^۴، ۱۹۹۲)، و نظریه سیستم‌ها (لومان^۵، ۱۹۹۳) از جمله نظریه‌هایی است که مخاطره و نااطمینانی در جامعه مدرن را تحلیل کردند. در حوزه نظریه فرهنگی، نظریه مری داگلاس یکی از نظریه‌های مطرح در این زمینه است که بین مخاطره و ویژگی‌های فرهنگی جامعه مدرن ارتباط برقرار می‌کند. مری داگلاس متفکر انسان‌شناس، طرح دوگانه شبکه/گروه^۶، جهت‌گیری‌های فرهنگی در هر یک از این دو نوع ساختار را، زمینه ساز شکل‌گیری رفتارها و ساختارهای جامعه می‌داند. از نظر وی شکل‌گیری مخاطرات جامعه مدرن ناشی از غلبه ارزش‌های فردگرایانه است (داگلاس، ۱۹۹۲). رویکر حکمرانی، بر این باور است که شیوه جدید حکمرانی بر جوامع بیش از اشکال جدید مخاطره، موجب تغییرات بنیادی در جوامع شده است (دین، ۱۹۹۲). نظریه نظام‌ها، مخاطره ارتباطی را پیامد تفکیک اجتماعی روزافزون می‌داند که به گفتگو در مورد اینکه چه کسی مسئول رویدادهای نامطلوب اجتماعی است، دامن می‌زند (لومن، ۱۹۹۳).

نظریه جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک، یکی از اثرگذارترین نظریه‌های جامعه‌شناسی مخاطره است. بک در این نظریه تحولات جامعه مدرن و بازاندیشی در جوامع مدرن پیشرفته را مطرح کرد. بک به بررسی مخاطرات، بی‌نظمی و بی‌اطمینانی‌های جهان معاصر پرداخته است. در رویکرد جامعه مخاطره‌آمیز اولریش بک، بحران‌های مالی جهانی، مخاطره‌های جدید فناوری و زیست محیطی همچون نیروی اتمی و تغییرات اقلیمی تأثیرات زیادی بر تحول جامعه مدرن داشته است (بک^۷، ۱۹۹۲). بک مخاطره و تضاد را بخش ذاتی جامعه مدرن می‌داند. مخاطراتی که عمدتاً حاصل اقدامات و ساخته دست بشر هستند. او می‌گوید ناامنی مصنوعی^۸ در حوزه‌های عمل و مدیریت مبتنی بر عقلانیت اقتصادی ظاهر می‌شود (بک، ۲۰۰۱: ۲۷۲). بک منشا مخاطرات را در چهار بحران مطرح می‌کند: بحران‌های به هم‌وابستگی اکولوژیکی، بحران‌های به هم‌وابستگی اقتصادی، تهدید ایجاد شده توسط بحران‌های تروریستی و بحران به هم‌وابستگی اخلاقی، که از گسترش قاعده حقوق بشر نشأت می‌گیرد (بک و اشنايدر^۹، ۲۰۰۶). ویژگی مشترک این بحران‌ها این است که نمی‌توانند به عنوان بحران‌های محیط بیرونی فهمیده شوند

1. Ulrich Beck
2. Risk society
3. Douglas
4. Dean
5. Luhmann
6. Grid/Group
7. Beck
8. Manufactured
9. Beck & Sznaider

بلکه باید به عنوان کنش‌ها، اثرات، ناامنی‌ها و عدم اطمینان‌های به طور فرهنگی ساخته شده درک شوند. وی در تحلیل مخاطرات و راه‌های برون رفت از آن، مفهوم بازانديشي و مدرنيته بازانديشانه را مطرح می‌کند. بک در این چهارچوب یکی از منابع مخاطره در جامعه مدرن را بحران‌ها و فشارهای اقتصادی می‌داند که منحصر به جامعه خاصی نبوده و در بستری جهانی عمل می‌کنند. در چهارچوب نظریه بک، می‌توان گفت تورم یکی از مهم‌ترین منابع و زمینه‌های شکل‌گیری مخاطره در جامعه اخیر ایران است.

در چهارچوب نظریه نظام‌ها بویژه نسخه‌های جدیدتر آن، مثل نظریه آشوب، نیز می‌توان به تورم نگاه کرد. طرفداران نظریه آشوب بر این باورند که در میان الگوهای رفتار ظاهراً تصادفی پدیده‌های مختلف نوعی نظم وجود دارد. معمولاً در درون بی‌نظمی و آشوب، الگویی از نظم وجود دارد. این نظریه مدعی است ما ممکن است نیاز به اتخاذ تصمیم‌هایی داشته باشیم که هرگز نمی‌توانیم از پیامدها و تبعات آن‌ها آگاه باشیم. در این نظریه وضعیتی را بی‌نظم و آشوب زده می‌گویند که در آن وضعیت به علت فقدان قواعد و قوانین مشخص، امر پیش‌بینی میسر نیست (الوانی و دانائی فرد، ۱۳۷۸:۳). تورم می‌تواند یکی از منابع مهم بی‌نظمی باشد.

رهیافت اقتضایی از ضرورت مدیریت بر مبنای اقتضا از این واقعیت نشأت می‌گیرد که عملکرد مدیر در هر زمان، باید با توجه به «موقعیت و مجموعه شرایط فعالیت وی» ارزیابی شود. در واقع، تئوری اقتضایی همان تئوری تاثیر متغیر رهبری بر سازمان است. این تئوری به این می‌پردازد که همواره برای انجام کارها تنها یک راه به عنوان روش برتر وجود ندارد بلکه راه و روش اداره سازمان بستگی به نوع و شیوه رهبری دارد و این نوع و شیوه رهبری خود وابسته به یک سری متغیرهای محدود کننده درونی و بیرونی است. اساس این نظریه که بر جنبه‌های انسانی تاکید دارد، مبتنی بر انجام امور با توجه به موقعیتی است که به وجود می‌آید. بر اساس این نظریه برای انجام کارها یک بهترین راه‌حل وجود ندارد و شرایط محیطی حاکم بر سازمان در هر شرایط، تصمیمی را می‌طلبد که با محیط آن سازمان هماهنگ باشد (صرافی‌زاده قزوینی و همکاران، ۱۳۹۵:۵).

روش تحقیق

رویکرد این پژوهش، کیفی-تفسیری و روش اجرای پژوهش، نظریه داده‌بنیاد (گراندتئوری) است. از میان رویکردهای مختلف نظریه داده‌بنیاد، رویکرد برساختی (چارمز، ۲۰۱۴) به کار گرفته شد. انتخاب روش نظریه داده‌بنیاد بدین دلیل است که ما به دنبال فهم معنا و کنش‌های مورد نظر کنشگران در زندگی در شرایط تورمی و کشف یک نظریه حاصل از داده‌ها بودیم. افراد مشارکت‌کننده در مصاحبه‌ها، شامل ۶۰ نفر از شهروندان شهر اصفهان هستند. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع حداکثر تنوع (حریری، ۱۳۸۵) استفاده شد.

با توجه به تحت تاثیر قرار گرفتن طبقات اجتماعی از پیامدها و تبعات تورم، مشارکت کنندگان در این پژوهش ترکیبی از دو طبقه متوسط و پایین انتخاب شد و از نظر سن، تحصیلات، درآمد و جنسیت متفاوت از هم می‌باشند. نمونه‌گیری تا مرحله اشباع داده‌ها ادامه یافت و ۶۰ نفر در مصاحبه‌ها شرکت داشتند. برای به دست آوردن اطلاعات از شرایط و کنش‌های مشارکت‌کنندگان از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. فهرستی از پرسش‌های اصلی پژوهش تهیه و مصاحبه بر اساس آن اجرا شده است. هر مصاحبه با توجه به شرایط مشارکت‌کننده، بین یک تا یک ساعت و نیم و در چند مورد تا سه ساعت زمان برد. با تعدادی از مشارکت‌کنندگان نیز دوبار مصاحبه شد. برای از قلم نیفتادن داده‌های مصاحبه‌ها، با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط شد و نکات مهم در حین مصاحبه توسط مصاحبه‌گر یادداشت برداری شد. بعد از اتمام هر مصاحبه فایل ضبط شده در همان روز توسط مصاحبه‌گر پیاده‌سازی شد.

برای تحلیل مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها، از تکنیک کدگذاری داده بنیاد (چارمز، ۲۰۱۴) استفاده شد. در این فرایند، پس از مرور اولیه و تقطیع متن هر مصاحبه، به هر عبارت معنادار و مرتبط از مصاحبه، یک کد مفهومی اولیه (کدگذاری اولیه^۱) تخصیص دادیم و سپس کدهای اولیه مشابه در یک دسته مشترک با عنوان مقوله دسته بندی و ربط آنها با یکدیگر (کدگذاری متمرکز^۲) را مشخص کردیم و در مرحله سوم و نهایی (کدگذاری نظری^۳) مقوله‌های پرتکرار و مهم‌تر را انتخاب کردیم و ارتباط آنها را در قالب یک مقوله هسته و یک طرح نظری تدوین کردیم.

اعتبارپذیری: به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌ها برای مشارکت‌کنندگان پژوهش اشاره دارد. برای ارزیابی اعتبارپذیری یافته‌ها، از تکنیک‌های کنترل توسط اعضا و کنترل توسط هم‌تایان استفاده شد. در مرحله کنترل توسط اعضا، بعد از ساخت مقوله‌ها و تحلیل یافته‌ها، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌ها را ارزیابی کرده و در مورد صحت آن نظر دهند. سپس از کنترل توسط هم‌تایان علمی در مورد موضوع مورد بررسی استفاده شد. همچنین برای اطمینان از منابع داده خام و کنترل آن، مصاحبه‌ها ضبط و تایپ شده، فهرست مصاحبه‌شوندگان تهیه شد و کلیه فرایند تحلیل داده‌ها تایپ و ذخیره شد. علاوه بر این محقق در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها، در مورد پیش فرض‌ها و نظرات خود بازاندیشی و تردید کرد.

به منظور رعایت هنجارهای اخلاق تحقیق کیفی، چند اقدام انجام شد. اولاً قبل از هر مصاحبه ابتدا هدف و موضوع به روشنی برای مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و رضایت مشارکت‌کنندگان جلب شد. برای حفظ محرمانه ماندن مطالب و گمنامی مشارکت‌کنندگان، متن مصاحبه‌ها و شواهد با اسم مستعار ثبت و گزارش شد.

1. Initial coding
2. Focused coding
3. Theoretical coding

جدول شماره ۱: ویژگی‌های مشارکت کنندگان

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	ردیف	سن	تحصیلات	شغل
۱	۲۸	کاردانی	بیکار	۳۱	۴۴	کاردانی	وزارت نیرو
۲	۲۵	کارشناسی	شاگرد	۳۲	۳۲	کارشناسی ارشد	کارمند دانشگاه
۳	۲۶	کاردانی	گارسون	۳۳	۳۷	کارشناسی	وزارت نیرو
۴	۲۵	کارشناسی	گارسون	۳۴	۴۳	کارشناسی	فرمانداری
۵	۲۱	دیپلم	شاگرد	۳۵	۳۶	کارشناسی	آموزش و پرورش
۶	۲۵	ارشد	بیکار	۳۶	۶۳	کارشناسی	آموزش و پرورش
۷	۲۲	دیپلم	کارگر	۳۷	۷۱	کارشناسی	آموزش و پرورش
۸	۲۴	کارگر	دانشجو	۳۸	۴۷	کاردانی	تکنسین
۹	۲۱	کاردانی	شاگرد املاکی	۳۹	۴۶	کارشناسی	وزارت نفت
۱۰	۳۴	دیپلم	کارگر	۴۰	۵۳	کارشناسی	وزارت نفت
۱۱	۲۴	کاردانی	گارسون	۴۱	۵۷	دیپلم	بازاری
۱۲	۲۸	بی‌سواد	کارگر	۴۲	۶۷	دیپلم	وزارت نفت
۱۳	۲۷	کارشناسی	کارگر	۴۳	۷۳	زیر دیپلم	بازاری
۱۴	۲۳	کاردانی	بیکار	۴۴	۶۸	دیپلم	ذوب آهن
۱۵	۳۹	کارشناسی	ارایشگر	۴۵	۴۹	زیر دیپلم	ارتش
۱۶	۲۴	کارشناسی	راننده	۴۶	۵۶	دیپلم	ارتش
۱۷	۳۶	کارشناسی	خانه دار	۴۷	۶۵	زیر دیپلم	ارتش
۱۸	۲۷	کارشناسی ارشد	فروشنده	۴۸	۴۳	دیپلم	خانه دار
۱۹	۲۱	اخراجی	کارگر	۴۹	۶۲	دیپلم	تامین اجتماعی
۲۰	۲۰	دیپلم	گارسون	۵۰	۶۶	کارشناسی	تامین اجتماعی
۲۱	۲۱	دیپلم	فروشنده	۵۱	۴۸	کارشناسی	مدیر
۲۲	۲۶	کاردانی	بازاریاب	۵۲	۳۰	کارشناسی	هسا
۲۳	۳۹	کاردانی	کارگر	۵۳	۴۶	کارشناسی ارشد	کارمند
۲۴	۲۶	کارشناسی	صندوق دار	۵۴	۳۸	کارشناسی	کارمند اداره برق
۲۵	۴۴	دیپلم	کارگر	۵۵	۳۶	دکتر	مدرس
۲۶	۲۲	دیپلم	بیکار	۵۶	۳۹	دکتر	مدرس
۲۷	۲۸	دیپلم	بیکار	۵۷	۴۵	کارشناسی ارشد	کارمند پتروشیمی
۲۸	۲۴	کارشناسی	صندوق دار	۵۸	۵۳	کارشناسی	کارمند ذوب آهن
۲۹	۲۸	کارشناسی	صندوق دار	۵۹	۵۶	دیپلم	بازاری خرد
۳۰	۲۸	کارشناسی	راننده	۶۰	۴۰	کارشناسی	کارمند بیمه

یافته‌ها

در تحلیل داده‌ها همانطور که پیش از این گفتیم، از روش کدگذاری نظریه داده‌بنیاد در سه مرحله اولیه، متمرکز و نظری (چارمز، ۲۰۱۴) استفاده کردیم. این روش تحلیل به ما کمک کرد تا مفاهیم اولیه را در یکدیگر تلفیق و به مفاهیم انتزاعی‌تر برای بکارگیری در مدل نظری برآمده از داده‌ها، دست پیدا کنیم. در فرایند تحلیل داده، ابتدا متن پیاده شده مصاحبه‌ها تقطیع شد، و برای هر بخش مرتبط از متن، یک کد اولیه (مفهوم) در نظر گرفته شد. مفاهیم مشابه با یکدیگر تلفیق شد و مقوله‌ها را ساختیم. در این مرحله به نحوه متمرکز، مقوله‌های پرتکرار و مهم را انتخاب و به عنوان مقوله اصلی تعریف کردیم. سپس در مرحله کدگذاری نظری به تحلیل نظری و ربط بین مقوله‌ها و همچنین ارائه مقوله هسته پرداختیم. مقوله‌های اصلی عبارتند از: تحول هنجاری/تعاملی، تنگنای زیستی/ذهنی، ضعف حکمرانی، مناسبات جهانی، فشار و تغییر و انفعال اجتماعی. در آخر مقوله زیست اقتضائی به عنوان مقوله نهایی ساخته شد.

جدول شماره ۲: مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از متن مصاحبه‌ها

مقوله هسته	مقوله	مفاهیم اولیه
زیست اقتضائی	تحول هنجاری/تعاملی	مادی‌گرایی ارزشی، غلبه ارزش‌های بقاء، فرسایش سرمایه اجتماعی/نهادی، ناهنجاری تعاملات، کاهش ارتباطات، کاهش مشارکت، فراموشی اصول اخلاقی
	تنگنای ذهنی/زیستی	تنگنای معیشتی، پیش‌بینی ناپذیری، احساس سردرگمی، احساس ناامنی، عدم اطمینان، نارضایتی انباشته، بزرگسالی زودرس، غلتیدن در ابهام، بحران انگیزه ناهماهنگی درآمد/هزینه
	ضعف حکمرانی	سیاستگذاری‌های ناکارآمد، تصمیمات غلط، عدم برنامه‌ریزی دقیق، ضعف در بازرسی و نظارت، ناکارآمدی قوانین، فشار ساختاری، تصمیمات کج‌دار و مریز، ضعف برنامه‌ریزی
	مناسبات جهانی	تحریم، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، فشارهای جهانی، فشار منطقه‌ای، شیطنت کشورهای همسایه، بی‌توجهی نهادهای بین‌المللی
	فشار و تغییر	کاهش قدرت خرید، افزایش مداوم قیمت‌ها، بی‌ثباتی قیمت‌ها، تحولات نگرشی و عملکردی، تلاش مضاعف، فشار مالی، فشار اطرافیان
	انفعال جمعی	تعجیل در تصمیم، خودمحوری، عطش پول، شتابزدگی از فردا، بی‌تفاوتی به دیگری، خودخواهی

فشار و تغییر

براساس اظهارات و تجربه زیسته مشارکت کنندگان از تورم، تغییر مداوم قیمت‌ها و گرانی کالاها و خدمات، یکی از مهم‌ترین منابع فشار و تغییر در زندگی روزمره آنها به شما می‌آید. در شرایط تورمی، هر روز و هر هفته مشارکت کنندگان شاهد تغییر و بی‌ثباتی در قیمت‌ها هستند. تورم از سوی دیگر موجب گران‌تر شدن روز به روز کالاها و خدمات و در نتیجه ایجاد فشار بر قدرت خرید و تأمین معیشت شده است. بنابراین از نگاه مشارکت کنندگان، تورم منبع مهمی از تولید فشار و تغییر در زندگی روزمره درک می‌شود.

مریم (۲۹ ساله و معلم):

«من عادت کردم و خودم و وادار کردم که تقریباً هر هفته به تغییری توی زندگی ایجاد کنم مجبور شدم انعطاف‌پذیر بشم تا بتونم با شرایط بسازم. هر روز که میرم در سوپری منتظرم چیزایی که دیروز خریدم رو امروز گروتتر بخرم. اصلاً قابل پیش بینی نیست که چی میشه!»

از سوی دیگر تورم و گرانی موجب شده احساس فشار زیادی در زمینه معیشت، تأمین نیازها و گذران زندگی روزمره برای افراد ایجاد شود. این فشار در هربار مراجعه برای خرید و کاهش قدرت خرید لوازم مورد نیاز در خانواده احساس می‌شود.

نوشین (۳۹ ساله و آرایشگر):

«فشار زیادی روی زندگی‌مونه. البته نه فقط زندگی من، زندگی همه اطرافیانی که میشناسم همینه تحت فشار شدیده. تورم باعث شده تا اونقدر تحت فشار قرار بگیری که فقط خودت و با همه چیز وفق بدی و تغییر بدی تا زنده بمونی»

یکی از پرسش‌های قابل طرح این است که مشارکت کنندگان، منبع این پدیده و فشارهای ناشی از آن را چه می‌دانند. به عبارت دیگر، کدام زمینه‌ها و شرایط موجب شکل‌گیری شرایط تورمی و فشار و تغییر ناشی از آن در اقتصاد و جامعه ایران شده است. در این مورد، دو مقوله «مناسبات جهانی» و «ضعف حکمرانی» از داده‌ها ظهور کرد.

مناسبات جهانی

جهانی شدن در ادبیات علمی و سیاسی و تعاملات بین‌المللی از مهم‌ترین نیروهای اثرگذار بر سرنوشت و زندگی جوامع معاصر است. امروزه هیچ پدیده و تحولی به دور از اثرات و تحولات جهانی شکل نمی‌گیرد. در بررسی پدیده‌های اجتماعی نیز نمی‌توان نیروهای جهانی شدن را

نادیده گرفت. مقوله مناسبات جهانی به عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تورم و فشار بر اقتصاد ایران درک می‌شود و برآمده از مقوله‌های فرعی از جمله فشار قدرت‌های بزرگ جهانی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و تحریم است. جهان امروز، زنجیره‌ای از کنش‌ها و تاثیرات متقابل میان جوامع است. جهانی شدن سیاست‌های اتخاذ شده در داخل کشور بر روابط با دیگر جوامع جهانی اثرگذار بوده است و خود از دلایل ایجاد تورم است. به ساده‌ترین بیان، امروزه کالاهای موجود در فروشگاه‌ها از کشورهای مختلف وارد می‌شود و کشوری نیست که تمام نیازهای خود را در داخل تامین بکند. جهانی شدن بویژه وابستگی متقابل را افزایش داده است. چنانچه امکان ورود کالا به کشوری محدود شود، به راحتی می‌تواند زمینه مشکلات و فشارهایی را فراهم کند. مشارکت کنندگان معتقد بودند تصمیمات دیگر جوامع جهانی و خصوصاً جوامع قدرتمند جهان از جمله اتخاذ تحریم‌ها و همچنین کاستن از سرمایه‌گذاری خارجی خود بر بروز و تشدید تورم اثرگذار بوده است.

محمد (۴۹ ساله و متأهل):

«بالاخره وقتی همه ورودی‌های کالا و ارز به کشور بسته شده، یه جایی خودشو نشون میده. وقتی نشه نفت بفروشیم و پول و اجناس وارد کشور کنیم، چطور میخوایم زندگی کنیم. گذشت اون زمانی که هر کشوری برای خودش زندگی می‌کرد. همه چی به هم ربط پیدا کرده»

اتخاذ راهبرد تحریم توسط کشورهای قدرتمند جهانی و اعمال محدودیت‌ها، از عوامل عمده تورم در ایران است. اغلب مشارکت‌کنندگان، تصمیمات دولت و تحریم‌ها را از دلایل اصلی و عمده تورم ذکر کردند. در جوامع در حال توسعه و توسعه نیافته یا به عبارتی در اغلب جوامع جهان سوم نهاد اقتصادی یک نهاد مستقل از دولت نیست و منافع سیاسی و اقتضائات سیاسی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و تصمیمات اقتصادی از جمله ممنوعیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ... نقش حائز اهمیتی دارند.

رسول (۴۱ ساله و کارمند) می‌گوید:

«به نظر من مهم‌ترین عامل که اینقدر تورم و گرونی آورده همون تحریم‌هاست هر تصمیم گیریه نادرستی اعمال تحریم‌ها رو شدیدتر می‌کنه و در کنار اون گرونی وحشتناک داره میشه»

ضعف حکمرانی

اغلب مشارکت‌کنندگان ناکارآمدی قوانین، سازمانها و مدیران در رفع مشکلات و ساماندهی شرایط را یکی از مهم‌ترین مسائل شرایط فعلی می‌دانند. ناکارآمدی به معنای عدم فایده‌مندی،

سودرسانی، نداشتن اثر و کاربرد موثر و مفید است. قوانین هر جامعه بر پایه فرهنگ، ضوابط، شرایط و اصول تعریف و وضع می‌شوند و در این چارچوب نهادها سعی می‌کنند تا فایده مندی خود را در نزد جامعه با افزایش اثرپذیری نشان دهند. یکی از خصوصیات جامعه‌های توسعه یافته کارآمدی قوانین است. حال در جوامع در حال توسعه و توسعه نیافته به دلیل مشکلات ساختاری و ابهام و جابه جایی ساختارها قوانین شکل ناکارآمدی به خود می‌گیرند. ضعف حکمرانی که از مصاحبه‌ها کشف شد ذیل مفاهیمی چون سیاستگذاری‌های ناکارآمد، تصمیمات غلط، عدم برنامه‌ریزی دقیق و ضعف نظارت قرار می‌گیرد. اغلب مشارکت کنندگان اظهار می‌کردند که عدم وجود بازرسی منظم و دقیق باعث ایجاد فسادهای مالی گسترده و اختلاس شده است و همین امر فرصت‌طلبی مسئولین را ایجاد کرده و از دلایل ضعف حکمرانی است. مشارکت کنندگان یکی از دلایل ضعف در بازرسی و نظارت حساب شده را عدم جدیت مسئولین کشور در تخطی از هنجارها و سوءاستفاده از موقعیت خود عنوان کرده‌اند. سوءاستفاده از سمت و موقعیت، فرصت‌طلبی و سودجویی مسئولین، رانت، قوانین انعطاف‌پذیر و منطبق بر اقتضات همه اسباب ضعف حکمرانی در جامعه شده‌اند.

خسرو (۴۹ ساله و کارمند) می‌گوید:

«به نظر من سیاستگذاری‌های غلط خودش مهمترین دلیل تورم جامعه‌ی ماست». یا امیرحسین (۴۰ ساله و دانشجوی دکترا) می‌گوید «این که مشخصه، تو جامعه‌ی ما بخاطر مدیریت‌های غلط و تصمیم‌گیری‌های غلط تورم روز به روز داره بدتر میشه».

به دلیل ارتباط متقابل و دو سویه‌ی نهاد سیاسی و نهاد اقتصادی لذا هرگونه تصمیم و سیاستگذاری‌ای که از جانب نهاد سیاسی اتخاذ می‌گردد مستقیماً نهاد اقتصادی را متاثر می‌سازد.

رضا (۴۴ ساله، متاهل) می‌گوید:

«یکی از مهمترین نکاتی که وجود داره و بهش توجهی نمیشه همون رصد دقیق اتفاقات و بررسی همه جانبه و موثکافانه جزئیات یه بحران هست که متأسفانه چندان بهش توجه نمیشه، ما هیچ دیده‌بانی دقیقی از اتفاقاتی که میفته نداریم و همیشه اقدامات ما دیر هنگام هست»

میدان سیاسی با قدرت عظیم خود نهاد اقتصادی را در خود و تصمیماتش فرو برده و می‌بلعد. لذا مشارکت کنندگان اظهار داشتند دولت نقش عمده‌ای در استمرار تورم دارد و تصمیمات اتخاذ شده از جانب دولت و مسئولین زندگی کنشگران اجتماعی را به طور کامل تحت تاثیر قرار داده و سبب نزول و یا صعود زندگی آنها می‌شود.

تنگنای زیستی/ذهنی

مفهوم تنگنای زیستی به معنای در مضیقه و سختی زیستن و زندگی کردن و اتخاذ تصمیمات به همراه کنترل، هدایت و مدیریت ذهن می‌باشد. تنگنای زیستی اسباب بزرگسالی زودرس و قرار گرفتن در مشکلات گذران زندگی برای جوانان شده است. تنگنای ذهنی مشکلاتی از قبیل بحران انگیزه را دربر دارد و همچنین این مقوله خود مشارکت کنندگان را با نوعی از نارضایتی و ابهام در زندگی مواجه ساخته است. بر اساس دیدگاه اغلب مشارکت کنندگان، بین درآمدها و هزینه‌های زندگی آنها هماهنگی وجود ندارد و از همین رو تلاش می‌کنند به شیوه‌های مختلفی معیشت خود را تامین و با شرایط فشار گرانی و تورم سازگار کنند. آنها تلاش می‌کنند هزینه‌های اضافی را حذف کنند و فقط به نیازهای اساسی فکر کنند و در این مسیر تفریح و فراغت را کم‌رنگ می‌کنند. آنها ناهماهنگی بین درآمد و هزینه زندگی روزمره را درک می‌کنند و از آن به عنوان یک چالش جدی در سال‌های پایان عمر یاد می‌کنند. با توجه به اظهارات مشارکت کنندگان، کمی درآمد در کنار فشار مالی ناشی از گرانی، موجب حذف بسیاری از بریز و بیاش‌ها نیز شده است. این واقعیت قابل انکار نیست که صرفه‌جویی، پرهیز از اسراف و ولخرجی و کنترل هزینه‌ها، در سطوح مختلف قابل ملاحظه است. مشکلات اقتصادی با تحت فشار قرار دادن تمامی ابعاد زندگی کنشگران اجتماعی، گذران روزمرگی را برای کنشگران اجتماعی به گونه‌ی طاقت‌فرسا و رنج‌آمیزی رقم می‌زند.

صادق (۳۲ ساله، متاهل و کارشناسی ارشد، کارمند دانشگاه) می‌گوید:

«هر بار که میرم خرید اقلامم کم‌تر میشه یعنی ناچارم کم کنم چون توان خریدش و ندارم چون حقوق منه کارمند اون قدر زیاد نمیشه که تورم و هزینه‌ها زیاد میشه هیچ هم خونی‌ای ندارن با هم، برای همین مجبوری هی سبد خرید خونه رو کوچیک کنی مجبوری فقط نیازهای ضروری و بخری خرید کتاب و لوازم فرهنگی به رویا داره می‌پیونده با این گرونی، اگر قبلا ماهی ۴ کیلو گوشت می‌خریدم الان شده ۲ کیلو، همه‌ی خریدامون کم‌تر شده»

از راهبردهای اتخاذ شده در تورم در طبقات متوسط و حقوق بگیر می‌توان به محدودسازی مصرف و بسنده کردن به کالاها و مایحتاج مورد نیاز و کالاهای در اولویت اشاره کرد. کارمندان حقوق بگیر با به حداقل رساندن مصارف خود و خرید در حد نیاز سعی در مدیریت حقوق خود در شرایط تورمی دارند.

علیرضا (۵۳ ساله و کارمند) می‌گوید:

«زندگی ما مدام در حال نزوله، هر بار با مشکل بیشتری برای خرید مواد غذایی رو به رو میشیم و هی مجبور میشیم از خریده‌ها کم کنیم»

تحول هنجاری/تعاملی

تحول هنجاری/تعاملی به معنای دگرگون شدن اعتقادات و نوع و نحوه تعاملات است. به عبارتی افزایش روز به روز تورم سبب افزایش ناهنجاری‌های تعاملی و قرار دادن کنشگران در حلقه تعاملی محدود و تنگ می‌شود. در این شرایط براساس آنچه مشارکت کنندگان از تجربه خود نقل کردند، حمایت‌های متقابل در بین خانواده‌ها و حتی در بین نزدیکان سست شده و کاهش یافته است. به علاوه اعتماد و صمیمیت نیز در میان افراد خانواده و اقوام و نزدیکان کم رنگ شده است. حتی روابط همسایگی نیز به مانند گذشته نیست و بسیار محدودتر شده است. تحول هنجاری به معنای نادیده گرفتن هنجارهای عرفی و دینی، دگرگونی در اصول اخلاقی، وجدان و قوانین جامعه می‌باشد. همچنین، فشار ساختاری تورم، در سطح فردی منجر به فشار بر هنجارهای سازنده جامعه می‌شود. این تغییر یا کاهش در هنجارها و باورهای اجتماعی، به دنبال خود افزایش کجروی را خواهد داشت. شرایط تورم فزاینده و غیر قابل کنترل با ایجاد نوسان و تجدید نگرش در ارزش‌های فرهنگی، پیامدهایی چون تضعیف روحیه اخلاق مداری و همچنین افزایش فردگرایی و فساد به همراه دارد.

سعید (۲۶ ساله، مجرد که در کافه کار می‌کند) می‌گوید:

«قبل از تورم قبل از اینکه اینقدر گرونی بشه ما خیلی با فامیلامون دوره هم جمع میشدیم عموهام حتما دعوت میکردن حتما مهمونی داشتیم، تو فامیل وقتی یکی مشکل پیدا می‌کرد همه جمع میشدن و کمک میکردن ولی الان کلا رفت و امدادها قطع شده کسی دعوتی نمیده از بس هزینه‌ها بالا رفته حتی الان وقتی عروسی یا تولد دعوت میشیم اغلب نمیریم مگر دیگه خیلی نزدیک باشه چون می‌گیم از کجا پول بیاریم کادو بدیم، یا قبلا با دوستانمون پول میداشتیم رو هم میرفتیم مسافرت ولی الان فقط پول می‌داریم قلیون که ارزونه می‌گیریم میشینیم میکشیم فقط همین شده اونم هفته‌ای به بار»

شرمندگی پدر و افسردگی مادران و کم رنگ شدن صمیمیت و گردهمایی‌ها، تضعیف حمایت‌های فامیلی و دوستانه در خانواده‌ها از تبعاتی است که تورم شدید اقتصادی برای خانواده‌ها بر جای گذاشته است.

نادر (۶۷ ساله و بازنشسته) می‌گوید:

«مردم بی‌ایمان شدن رحم و مروت از بین رفته شرایط خیلی سخت شده فشار زیاده جوونا به فساد افتادن دزدی میکنن تن‌فروشی می‌کنن کلاهبرداری می‌کنن ظلم می‌کنن

من خودم بزرگترین ترسم اینه بچه‌هام به تباهی نرن یه وقت فریب نخورن ظلم کنن دزدی کنن».

اصغر (۶۸ ساله و بازنشسته) می‌گوید:

«مشکل از خود مردم، خودمونیم که در حق خودمون ظلم می‌کنیم وقتی قبل از گرونی با چند تا شایعه پراکنی مردم هجوم میارم واسه خرید خب معلومه جنس گرون‌تر میشه خودمون میریم استقبال که گرون کنن. بدون فکر بدون اینکه فکر کنیم بعد عمل کنیم. بدون فکر با هر شایعه‌ای سریع دویسیم تو صف ما حقمونه معلومه هر روز گرونی بیشتر میشه»

وقتی افراد در وضعیت تورمی قرار می‌گیرند و به عبارتی در تلاش و تقلا برای تطبیق و سازگاری با شرایط هستند به صورت غیر منطقی و عجولانه تصمیم‌گیری کرده و واکنش نشان می‌دهند. در واقع عمل افراد در شرایط خاص برگرفته از منطقی و پشتوانه فکری قوی نیست و همین امر منجر به گرفتن تصمیماتی است که وضعیت جدید را تقویت کرده و به شدت آن کمک می‌کند.

انفعال جمعی

انفعال اجتماعی به معنای واکنش‌های بدون تامل و عجولانه مردم نسبت به افزایش قیمت‌ها و هجوم در صف‌های طولانی جهت تامین کالاها و اقلامی است که قیمت آنها در حال افزایش است.

شیرین می‌گوید:

«من واقعا اعصابم از رفتار مردم خورد میشه نه به خودشون اهمیت میدن نه به بقیه همش بدون فکر عمل می‌کنن».

انفعال اجتماعی سه بعد خودمحوری، بی‌تفاوتی و سودجویی را به خود اختصاص می‌دهد. برخی در شرایط تورمی با در اولویت قرار دادن خود و در نتیجه اتخاذ و اعمال رفتارها و واکنش‌های غیر منطقی سبب تشدید تورم می‌شوند؛ برخی دیگر نسبت به دیگران بی‌تفاوت و بی‌توجه شده و با نادیده گرفتن شرایط کنشگران دیگر در پی فرصت طلبی هستند و دسته‌ی آخر با دنبال کردن سود و منفعت خویش و در اولویت قرار دادن آن سعی در اتخاذ تدابیر غیرعادلانه و در نتیجه افزایش تورم دارند. انفعال اجتماعی ذیل زیر مقولات رفتارهیجانی مردم، شتاب در عمل، عمل بدون تفکر، عدم واکنش منطقی، بی‌توجهی به پیامد واکنش‌ها، جو زدگی، عمل بر مبنای ترس، فرافکنی، مستأصل شدن، نفع شخصی، منفعت طلبی دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌شود. اغلب مشارکت کنندگان رفتارهای هیجانی گونه‌ی مردم و رفتار بدون تفکر و تعجیلانه را یکی از دلایل تورم ذکر کرده‌اند. نگرانی از افزایش بیشتر و آمادگی جهت افزایش قیمت، خود از

دلایلی هستند که سبب تشدید تورم می‌شوند. انفعال اجتماعی به معنای بی‌تفاوتی اجتماعی و یا مسخ شدگی اجتماعی به عنوان یکی از دلایل تشدید تورم کشف شده است. اعمال برخاسته از دلواپسی و نگرانی از گذران فرداها و در انتظار افزایش‌های پی در پی بودن، خود سبب رفتارهای هیجانی کنشگران اجتماعی شده است. کنش‌های لحظه‌ای بدون پشتوانه‌ی فکری در شرایط تورمی باعث کشف مقوله‌ی انفعال اجتماعی شده است. بنا بر نظر اقتصاددانان در شرایط تورمی کنشگران اجتماعی نمی‌توانند به طور منطقی دست به کنش بزنند.

سارا (۳۱) ساله، مجرد و دانشجو):

«رفتارهای مردم خیلی باعث تورم شده، مثلاً یهو هجوم میارن به خرید سکه، یهو بورس، یهو میرن تو صف بنزین، تا به چیزی میخواد گرون بشه قبلش اینا هجوم میارن واسه خرید و همین تورم و بیشتر کرده در واقع می‌تونم بگم رفتارهای عجولانه‌ی مردم خیلی به گرونی دامن زده، ایستادن تو صف‌های طولانی خودشون شرایط تورم و ایجاد کردن»

رفتارهای هیجان‌گونه و خالی از منطق مشارکت کنندگان خود از دلایل استمرار و پایداری تورم می‌باشد.

نسیم (۳۶) ساله، مجرد و دانشجو):

«واقعا این قضیه که خود ما مردم داریم به این تورم و گرونی دامن میزنیم و من و ناراحت میکنه یعنی هر کی هر جایی هست سعی نمیکنه سود خودش و کم‌تر کنه به کم به فکر مردم باشه یا احساس مسئولیت اجتماعی کنه هر کی فقط به فکر خودش و منافع خودش یعنی واقعا تورم انسانیتیم تو آدم‌ها از بین برده هر کسی فقط خودش مهم شده و منافعش، تا خبردار میشن به جنسی داره گرون میشه یا اهتکار می‌کنن سودشون زیاد بشه یا هجوم میبرن»

تورم و کاهش تمکن مالی خانواده‌ها سبب شکل‌گیری حالاتی از بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر و عدم تفکر و توجه به موقعیت و مشکلات دیگری شده است. پول، پول و پول، تنها کلمه‌ای است که مدام طی مصاحبه‌ها جوانان بیان می‌کردند. تنها لغتی که به گونه‌ای گویا ملکه ذهن جوانان و خانواده‌ها شده است و تنها هدف و خواسته آنان حول آن دور می‌زند. تصور اینکه رسیدن به پول به معنای رسیدن به هر خواسته‌ای است.

مقوله هسته: زیست اقتضایی

بعد از یکپارچه‌سازی، ترکیب و تلفیق مقولات، مقوله «زیست اقتضایی» را به عنوان مقوله نهایی ساختیم. زیست اقتضایی برآیند مضبقه‌ها، محدودیت‌ها و دشواری‌هایی است که تورم و

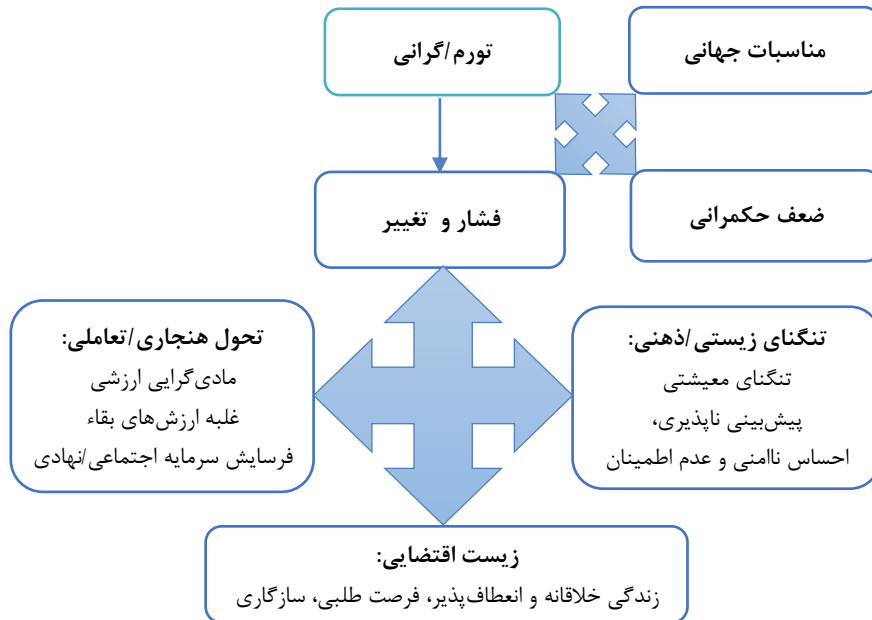
افزایش مداوم آن بر زندگی مشارکت‌کنندگان به جا گذاشته و اسباب زندگی متغیر و منعطف را ایجاد کرده است.

زیست اقتضایی به معنای زندگی «کج‌دار و مریز»، «هرچه پیش آید خوش آید» و همراه با سازگاری و انعطاف‌پذیری است. به این معنا کنشگران ذهن و کنش خود را به نحوی انعطاف‌پذیر و خلاقانه تنظیم می‌کنند. هر روز آمادگی ذهنی تغییر را دارند و خود را با شرایط وفق می‌دهند. این انعطاف و وفق دادن دارای ابعاد سازنده و مخرب است. از نظر فردی این انعطاف‌پذیری به معنای این است که هر لحظه آماده تغییر باشیم و باور کنیم ما نمی‌توانیم مانع فشار، تغییر و عوامل ایجادکننده آن شویم، بلکه می‌توانیم خود را با آن سازگار کنیم. این سازگاری از طریق محدود کردن خود، به اقتضای شرایط عمل کردن است. در این شرایط هرکسی به دنبال نفع خود است و آنگونه که منفعت فرد اقتضا می‌کند زندگی را پیش می‌برد.

بدون چنین انعطاف‌پذیری، امکان زندگی سالم روانی و اجتماعی وجود نخواهد داشت. به همین دلیل با وجود این همه فشار تورمی و مشکلات ناشی از آن، شهروندان همچنان کار خود را به پیش می‌برند و لنگ‌لنگان به مقصد می‌رسانند.

مدل نظری برساخته از داده‌ها: ربط مقوله‌های تحقیق بایکدیگر در قالب مدل زیر قابل طرح است. این مدل با هدف معرفی مهم‌ترین مقوله‌های تحقیق، ربط آنها با یکدیگر و با مقوله هسته‌ترسیم شد. در این مدل قبل از هر چیز دو نکته را باید مدنظر قرار دهیم. اولاً اینکه مدل زیر یک مدل داده‌بنیاد است و آنچه در آن ذکر شده حاصل درک و فهم مشارکت‌کنندگان و تأمل محققین در مورد آن است. بنابراین وابسته به زمینه تحقیق است. ثانیاً، این مدل یک مدل تعاملی است به این معنا که تمام مقوله‌ها و مفاهیم موجود در مدل ارتباط دوسویه بایکدیگر دارند.

مقوله‌های موجود در مدل را به می‌توان شرایط علی و زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها تفکیک کرد. اولین و بالاترین سطح مدل به شرایط علی و زمینه‌ای مربوط می‌شود (شامل مناسبات جهانی، تورم/گرانی و ضعف حکمرانی). این علل و زمینه‌ها در تعامل با یکدیگر موجب فعال شدن سازوکار فشار و تغییر به عنوان یکی از مهم‌ترین فرایندهای موجود در مدل می‌شود. این علل و زمینه‌ها موجب شکل‌گیری وضعیت تنگنای زیستی/ذهنی و تحول‌هنجاری در تعاملات و زندگی روزمره کنشگران شده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت تنگنای ذهنی و زیستی و تحولات هنجاری ناشی از شرایط علی سطح بالاتر هستند. نهایتاً زیست اقتضایی به عنوان پیامد نهایی این فرایند در نظر گرفته شده است.



شکل ۱- مدل نظری داده بنیاد تورم و زیست اقتصادی

همانطور که در مدل مشاهده می‌شود، تورم عمدتاً تحت تاثیر دو مقوله مهم مناسبات جهانی و ضعف حکمرانی شکل می‌گیرد. این دو مقوله در ارتباط با یکدیگر، به عنوان دو عامل جهانی و محلی، در هم‌افزایی متقابل، موجب شکل‌گیری تورم، کمبود اقتصادی و فشارهای ناشی از آن می‌شود. این دو عامل به همراه تورم، زمینه شکل‌گیری فشار و تغییر در سطح اجتماعی را فراهم می‌کنند. بعبارت دیگر، مناسبات جهانی نابرابر و مبتنی بر قدرت، ضعف حکمرانی درونی نظام اداری و دستگاه‌های عمومی، زمینه شکل‌گیری تورم را فراهم می‌کنند و تغییرات مستمر و مکرر را در جامعه موجب می‌شوند.

در گام بعد، فشار و تغییر، به سطح تعاملات و زندگی روزمره وارد می‌شود. به این معنا که معیشت و گذران زندگی با دشواری همراه می‌شود. در این مرحله معیشت، تعاملات، احساس امنیت و پیش‌بینی‌پذیری زندگی روزمره و موقعیت‌های کنش دچار چالش و تنگنا می‌شود. در اثر شکل‌گیری چنین فض و شرایطی، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نیز که در موقعیت‌های مختلف راهنما و کنترل‌کننده هستند، کمرنگ و دگرگون می‌شوند و هنجارهای بقا و «کشیدن گلیم خود از آب» جایگزین خیر جمعی می‌شود. در این شرایط تحول هنجاری و تضعیف اعتماد و سرمایه اجتماعی دور از انتظار نیست.

در اثر این مجموعه تغییرات، کنشگران اجتماعی که تحت تأثیر فشار و دگرگونی‌های ناشی از آن زندگی اجتماعی را پیش‌بینی‌ناپذیر، اطمینان‌ناپذیر و خارج از کنترل خود می‌یابند، در

موقعیت‌های کنش و زندگی روزمره، به سمت زیست اقتضایی گرایش پیدا می‌کند و عاملیت خود را از این طریق دنبال می‌کند. به تغییرات مدام عادت می‌کند، آمادگی هرگونه تغییر را دارند، بسیاری از ناهنجاری‌ها را عادی می‌پندارند و بی‌تفاوتی پیش می‌گیرند. زیست اقتضایی در معنای زندگی کج دار و مریز، غیرقابل پیش‌بینی، سیال، انعطاف‌پذیر و خلاقانه تبدیل به سبک و الگوی غالب کنش و زیست در جامعه و نهادهای اجتماعی می‌شود.

البته این مدل را می‌توان به سمت پایین ادامه داد و پیامدهای زیست اقتضایی را در سطوح مختلف روانی، عاطفی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جستجو کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

زیست اقتضائی به معنای زندگی در لحظه و توأم با تغییر است. زندگی که شرایط تورمی و نابسامانی اقتصادی باعث شکل گرفتن آن شده و سبک زندگی خاص که عادی‌پنداری و پذیرش هر چیزی در آن گنجانده شده است. هر روز همه چیز در حال تغییر است. معلوم نیست فردا چه می‌شود و انسان‌ها نمی‌توانند یک راه حل انتخاب کرده و یا یک تصمیم گرفته و در همه شرایط از آن استفاده کنند، بلکه بر اساس هر وضعیت و موقعیت خاصی که در آن قرار می‌گیرند بر اساس اقتضائات همان لحظه تصمیم گرفته و راهبردی را اتخاذ می‌کنند. متغیر عمل کردن و انعطاف‌پذیرانه دست به عمل زدن از ویژگی‌های زیست اقتضائی است. زیست اقتضائی به معنای زندگی کژدار و مریز نیز می‌باشد. زندگی که پی در پی در حال تغییر است و هیچ تصمیم‌پایداری ممکن نیست و همه چیز بی‌ثبات و ناموزون است. در زیست اقتضائی، بهترین تصمیم وجود ندارد بلکه در همان لحظه و موقعیت موجود آن تصمیم بهترین انتخاب است و ممکن است حتی برای یک ساعت بعد دیگر آن تصمیم کارساز نبوده و کنشگر تصمیم اقتضائی بعدی را اتخاذ کند. کنشگر تمام موارد را ارزیابی کرده و تصمیم می‌گیرد که این انتخاب در این شرایط مناسب بوده و برای شرایط دیگر انتخاب دیگری نیاز است. بنا بر زیست اقتضائی هر بعدی از زندگی به بعدی دیگر و هر جزئی به جزء دیگر وابسته است و بر این اساس بهترین عمل و تصمیم برای تمام موقعیت‌ها وجود ندارد و تورم تصمیم در لحظه و انعطاف‌پذیری در تصمیم را ایجاد کرده است. عادت به گرانی و افزایش هزینه‌ها در کنار سازگاری و پذیرفتن شرایط و تصمیمات و اعمالی که در لحظه جایگزین شده و مدام در حال تغییر می‌باشند. کنشگران اجتماعی اطلاع دارند که هر تصمیمی که اکنون می‌گیرند ممکن است فردا همان تصمیم با تصمیم جدید بر اساس شرایط جدید جایگزین شود. کنشگران زندگی بر اساس اقتضائات را درون خود نهادینه کرده و پذیرفته‌اند که هر روز بر اساس شرایطی که همان روز در آن قرار گرفته‌اند و مسائلی که در آن روز با آن درگیر هستند تصمیم گرفته و عمل می‌کنند و فردا بر اساس شرایط فردا تصمیم می‌گیرند و این سیکل هر روز تکرار می‌شود. نوآوری، ابتکار و خلاقیت در مواجهه با هر شرایط و انتخاب بهترین

تصمیم وجود دارند. زیست اقتضائی در کنار خود کنشگران را در به کارگیری ابزارها و ابتکارات جدید و دست زدن به ابداعات بدیع و تازه متخصص کرده است. گرفتن هر روزه‌ی تصمیمات و رویارویی با حوادث و مسائل جدید قوه‌ی ابتکار و تخیل کنشگر را فعال کرده و او را وادار به تصمیمات نوآورانه متناسب با شرایط جدید می‌کند. زیستن در لحظه و پذیرش تغییرات متوالی در عرصه‌ی همه‌ی سطوح زندگی از جزئی‌ترین تا کلی‌ترین موارد زندگی را در بر گرفته است. افزایش مهارت‌های نوآوری و ابتکار در کنار پذیرش تغییر شرایط و در لحظه تصمیم گرفتن و جابه‌جایی تصمیمات انسان اقتضائی را خلق کرده است. انسانی که واهمه‌ای از تغییر دادن تصمیمات خود و یا موکول کردن به فردایی دیگر، جابه‌جایی تصمیمات و لغو کردن و اتخاذ و انتخاب تصمیمی بدیع ندارد. انسانی که با شرایط جدید هر روز کنار آمده و خود را با آن سازگار کرده و در باورهایش جای داده است.

یکی از دلایل مهم شکل‌گیری زیست اقتضائی ضعف حکمرانی و مناسبات جهانی است. ضعف حکمرانی به معنای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی است که سبب ایجاد اختلال در نهادهای مختلف کشور شده و تصمیمات نادرست آن‌ها بر تصمیمات سایر نهادها تاثیر می‌گذارد. فشارهای ساختاری از طریق قرار دادن کشور در تحریم‌های مختلف و همچنین هدایت تصمیمات اقتصادی بر اساس اقتضانات سیاسی اسباب خلق انسان اقتضائی شده است. اعمال محدودیت‌ها و تحریم سبب نابسامانی و بی‌ثباتی اقتصادی شده است و شرایط زندگی کنشگران اجتماعی را روز به روز با تنگنای بیشتری رو به رو می‌سازد. افزایش بی‌رویه‌ی قیمت‌ها و عدم قطعیت و ابهام در فردا سبب ایجاد ترس و ناامنی در کنشگران اجتماعی شده است. عدم قطعیت به معنای نداشتن اطمینان به آینده و در تردید و دودلی و ابهام به سر بردن. عدم امکان برنامه‌ریزی و طراحی و هماهنگی در آینده. تحت تاثیر فشارهای گسترده پولی و عدم برنامه‌ریزی و عدم قطعیت در فردا، تغییر و زندگی در لحظه و برای گذران روزمره گی و صرفا امروز را تا شب سپری کردن بخشی از ذهنیت کنشگران اجتماعی شده است. مواجه شدن کنشگران با چالش‌های متعدد مالی سبب تلاش جهت زنده ماندن و سپری کردن امروز شده است. تلاش‌ها به سمت حفظ بقاء هدایت شده است و کنشگران تمام تلاش و کوشش خود را صرف گذران روزمرگی و ادامه‌ی زندگی کرده‌اند تلاش تنها برای زنده ماندن و ادامه‌ی عمر. مشکلات اقتصادی و تنگناهای معیشتی اسباب غلبه هنجارهای مادی و ذهنیت مادی اندیشانه در کنشگران اجتماعی شده است. همه چیز برای آن‌ها حول کسب پول و افزایش درآمد چرخ می‌زند و پول محوریت همه چیز شده است. ارزیابی‌ها بر اساس مادیات صورت می‌گیرد. دل‌نگرانی و دلواپسی با ایجاد مخاطرات روحی و ترس نهادینه شده از فردای مبهم و نامعلوم کاهش و فرسایش هنجارهای اخلاقی را در پی داشته است. فرسایش هنجارها به معنای سست شدن اخلاقیات و ضعف در پایبندی به ارزش‌ها و تخطی و دور زدن قانون می‌باشد. زیست اقتضائی

شامل ابعاد متعددی می‌شود. اقتضاء در همه‌ی سطوح زندگی کنشگران از خرد و کلان تا جزئی و کلی نفوذ کرده است.

زیست اقتضائی سبب خلق انسان اقتضائی شده است. انسانی که در لحظه و اکنون زندگی می‌کند. تابع شرایط بوده و متناسب با شرایط حرکت کرده و تصمیم می‌گیرد. زیست اقتضائی فرهنگ را نیز دستخوش دگرگونی قرار داده است. شکل‌گیری فرهنگ مصرفی و مادی‌اندیشانه. پیش‌بینی‌ناپذیری و بی‌ثباتی اقتصادی اسباب غلبه ارزش‌های مادی‌گرا در انسان اقتضائی شده است. در اولویت قرار دادن و تمرکز بر پول، مادیات و کسب درآمد بیشتر در زندگی اقتضائی برجسته شده‌اند. تعاملات و روابط نیز تحت تاثیر زیست اقتضائی و تورم رنگ و بویی مادی به خود گرفته‌اند. ارزیابی و قضاوت انسان‌ها از یکدیگر بر مبنای پول و مادیات شکل می‌گیرد و احترام و افتخار بر اساس ثروت مادی افراد تعیین می‌شود. سرمایه‌های اجتماعی افراد تابع منش مادی‌اندیشانه در زیست اقتضائی شده است. اعتماد بر مبنای اعتبار مالی سنجیده و تعیین می‌شود. هر چه فردی ثروتمندتر باشد از اعتماد، حمایت و همکاری بیشتری برخوردار خواهد بود. نظم و هنجارهای جامعه نیز دستخوش تغییر قرار گرفته‌اند. تغییری شگرف که در آن اشخاص متعلق به طبقه بالا به دلیل داشتن منزلت برتر ضرورتی در تبعیت از قوانین و پایبندی به هنجارها را ندارند و بر عکس اشخاص ناتوان و متعلق به طبقات پایین به محض تخطی از هنجارها با مجازات مواجه می‌شوند.

در زیست اقتضائی انسان کنش‌هایی را پیش می‌گیرد که خود به ناپایداری آن واقف بوده و به راحتی خود را با جایگزین کردن کنش‌های بعدی سازگار می‌کند. زیست اقتضائی تصمیمات اقتضائی و برنامه‌ریزی در لحظه را نیز ایجاد کرده است. برنامه‌ریزی تنها برای امروز بدون در نظر گرفتن فردا، برنامه و تصمیمات تنها با برد کوتاه اتخاذ می‌شوند. تصمیمات در فضای زیست اقتضائی موقتی و گذرا هستند. انسان‌ها گویا سوار بر قطاری هستند که با هر توقف تصمیم به انتخاب مسیر جدیدی می‌کنند. تساهل و نرمی بخشی از زندگی انسان‌ها شده است. تساهل در زیستن در همه ابعاد از روابط گرفته تا فرهنگ، اخلاق، سیاست و نظم را شامل می‌شود. انسان اقتضائی انسانی صبور و با پشتکار است که از قوه‌ی تخیل و ابتکار بالایی نیز برخوردار است. وی پذیرفته است که با طلوع خورشید در هر صبح نیاز به پذیرش تغییرات جدید و در نتیجه بردباری جهت ادامه مسیر و خلق و ابداع مسیری نو و هدفی جدید است.

تغییر در نوع خوراک، پوشاک، مسکن و نیازهای ضروری گرفته تا تغییر جهت حذف تفریحات و حذف و محدود کردن هزینه‌های فرهنگی و سیاحتی. زیست اقتضائی تعاملات، حضور و مشارکت در جمع را نیز در برگرفته و سبب کناره‌گیری از جمع و تصمیم در لحظه بر مبنای فشارهای ناشی از تورم و بی‌پولی و ترس از مواجه شدن با مشکلات مالی بیشتر شده است. کنشگران تمرکز و انرژی خود را صرف روزمرگی و تلاش برای بقاء گذاشته‌اند و بر اساس

اقتضائات موجود ناچار به محدود کردن تعاملات و روابط خود هستند و این تغییرات در لحظه تا حلقه‌های روابطی و خانوادگی نیز نفوذ یافته است.

شکل‌گیری زیست جهان اقتضایی در فضای پرنوسان فشار و تغییر مداوم و سرسام‌آور اقتصادی و اجتماعی، و ضعف نهادها و زیرساخت‌های حیات اجتماعی و زیستی، زمینه شکل‌گیری نظمی اقتضایی در جامعه ایران را فراهم آورده است. جامعه‌ای که آموخته است با فشار و تغییر زندگی کند، انعطاف‌پذیر و خلاق باشد.

منابع

- افراسیابی، حسین و بهارلوئی، مریم (۱۳۹۸)، «تنگنای زیست‌جهان سالمندی؛ مطالعه کیفی بازتاب تورم اقتصادی در زندگی روزمره بازنشستگان»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۴۰: ۳۴-۶۳.
- افراسیابی، حسین و بهارلوئی، مریم (۱۳۹۹)، «پیامدهای تورم در زندگی روزمره جوانان طبقه پایین»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱(۴): ۲۳-۴۴.
- آشینه، محمد و نوابخش، مهرداد (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل اقتصادی موثر بر طلاق و ازدواج با تاکید بر تورم»، *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۴: ۳۳-۱۱.
- الوانی، سیدمهدی و دانایی فرد، حسن (۱۳۷۸)، «تصمیم‌گیری از نگاه نظریه آشوب»، *نشریه تحول اداری*، ۲۱: ۲۵-۱۲.
- بابائی، مجید؛ توکلیان، حسین و شاکری، عباس (۱۳۹۷)، «پیش‌بینی نحوه اثرگذاری عوامل موثر بر تورم با استفاده از مدل‌های میانگین‌گیری پویا»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۱۸(۷۱): ۳۱۱-۲۶۱.
- پورکاظمی، محمدحسین؛ بیرانوند، امین و دلفان، محبوبه (۱۳۹۴)، «تعیین عوامل تأثیرگذار بر تورم و طراحی سیستم هشداردهنده تورم شدید برای اقتصاد ایران»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۷۶: ۱۴۵-۱۶۶.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵)، *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- دین محمدی، مصطفی و قربانی، فهیمده (۱۳۹۵)، «تحلیل آثار اجتماعی تورم (با تاکید بر سرمایه اجتماعی)»، *پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.
- زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۴)، «تاریخ‌نگاری شش دهه سیر تغییرات نرخ تورم در اقتصاد ایران: یک بررسی آماری»، *بیست و پنجمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی*.
- صرافی‌زاده قزوینی، اصغر؛ ذوقی، حجت و پیرفکر، سهیل (۱۳۹۵)، «رهیافت اقتصادی در مدیریت»، *چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری*، تبریز، دانشگاه تبریز.
- عظیمی، سیدرضا؛ میری طامه، اشرف‌السادات؛ تقی‌زاده، خدیجه و صمدی، رضا (۱۳۹۲)، «بررسی روند و علل تورم در ایران در سالهای (۱۳۹۱-۱۳۸۹) و اقدامات صورت گرفته برای مهار آن»، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱(۱): ۲۵-۵۸.
- لطفی، عزت‌اله؛ فیض پور، محمدعلی؛ یاری، محمدسعید؛ ستارستمیاف همت و میرزایی، سرور (۱۳۹۵)، «بررسی تاثیر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر جرم در کشور، رهیافت تکنیک داده‌های ترکیبی (مطالعه موردی سرقت و قتل)»، *پژوهش‌های مدیریت انتظامی*، ۳(۱۱): ۴۴۰-۴۱۵.

محمدی خیاره، محسن (۱۳۹۹)، «سیاست پولی و پویایی‌های تورم در ایران: ارائه شواهدی جدید»، **توسعه و سرمایه**، ۵، ۱.

محمودی، الهه (۱۳۹۸)، «جهانی شدن اقتصاد و تأثیر آن بر تورم در کشورهای در حال توسعه آسیایی»، **سیاست‌های راهبردی و کلان**، ۷(۲۵)، ۶۴-۴۶.

محنت‌فر، یوسف و دهقانی، تورج (۱۳۸۸)، «بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران: یک مطالعه تجربی طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۰»، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، ۱۷(۴۹): ۹۳-۱۱۲.

مهربانی، وحید (۱۳۸۹)، «تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران»، **تحقیقات اقتصادی**، ۹۰، ۲۲۷-۲۰۷.

مهبینی‌زاده، منصور؛ یآوری، کاظم؛ ولی بیگی، حسن و شفیعی، علی (۱۳۹۸)، «تحلیلی از نرخ سود و تورم در سیستم بانکی مبتنی بر اطلاعات نامتقارن»، **پژوهشنامه بازرگانی**، ۹۲: ۲۶۹-۲۳۱.

یحیی دیزج، جعفر؛ محمدزاده، یوسف؛ حکمتی، صمد و یعقوبی، فریدحسین. (۱۳۹۷)، «رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، ۱۸(۶۸): ۱۹۹-۱۶۷.

Adam, K., & Weber, H. (2020). "Estimating the optimal inflation target from trends in relative prices", *ECB Working Paper Series*, No 2370.

Adkins, L., Cooper, M. & Konings, M. (2019). Class in the 21st century: Asset inflation and the new logic of inequality, *Economy and Space*, DOI: 10.1177/0308518X19873673.

Albanesi, S. (2002). *Inflation and Inequality*. Bocconi University.

Albulescu, C. T. & Oros, C. (2020): Inflation, uncertainty and labour market conditions in the US, *Applied Economics*, DOI: 10.1080/00036846.2020.1772458.

Andrade, P. Galí, J. Le, B. H. & Matheron, J. (2019) *The Optimal Inflation Target and the Natural Rate of Interest*. Barcelona GSE Working Paper Series.

Beck, U. (1992). *Risk society: towards a new modernity*, London: Sage.

Beck, U. (2001). Ecological Questions in A Framework of Manufactured Uncertainties. In: *The New Social Theory Reader, Contemporary Debates*. Edited by Sidman, Steven & Alexander, Jeffrey C. New York: Routledge.

Caplovitz, D. (1981). "Making ends meet: How families cope with inflation and recession", *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 456(1): 88-98.

Charmaz, K. (2014). *Constructing Grounded Theory*, London: Sage.

Cochrane, J. H. (2018). "Michelson-Morley, Fisher, and Occam: The radical implications of stable quiet inflation at the zero bound. *NBER Macroeconomics Annual*, 32(1): 113-226.

Coibion, O., Gorodnichenko, Y., & Weber, M. (2019). *Monetary policy communications and their effects on household inflation expectations* (No. w25482). National Bureau of Economic Research.

- Dean, M. (1999) *Governmentality: power and rule in modern society*, London: Sage.
- Douglas, M. (1992) *Risk and blame: essays in cultural theory*, New York: Routledge.
- Goldthorpe, J. H. (1978). "The current inflation: towards a sociological account", *The political economy of inflation*, 186-216.
- Gonzales, R., & Rojas-Hosse, A. (2019). "Inflation shocks and income inequality: An analysis with genetic algorithms and Bayesian quantile regressions", *African Journal of Economic and Management Studies*, 10(2): 226-240.
- Lis, E., Nickel, C., & Papetti, A. (2020). *Demographics and inflation in the euro area: a two-sector new Keynesian perspective*, ECB Working Paper Series, No. 2382.
- Luhmann, N. (1993). *Risk: a sociological theory*, New York: A. de Gruyter.
- Özşahin, Ş. & Üçler, G. (2017). The consequences of corruption on inflation in developing countries: Evidence from Panel co-integration and Causality Tests. *Economies*, 5(4): 49.
- Shiller, R. J. (1997). "Why do people dislike inflation? In *Reducing inflation: Motivation and strategy*", University of Chicago Press.